نمایشگاه آن لاین

ناشرها روی وب

کورش ضیابری
kziabari@gmail.com

اصولاً نوشتن یکی از کارهای سخت محسوب می‌شود. حالا وقتی از حس‌وحال نوشتن در مورد نمایشگاه کتاب خارج شده باشی و یک روز کامل هم خارج از رطوبت و لطافت و خنکای همیشگی هوای شمال، دود و دم هوای تهران را تجربه کرده و حسابی کلافه شده باشی، کار کلاً خیلی سخت‌تر می‌شود. یک تبصره دیگر هم به قضیه اضافه کنید و اینکه یک سری به‌طور مفصل و با آبغوره فراوان خداحافظی کرده باشید و حالا مجبور شوید با سرشکستگی و سرافکندگی فراوان! دوباره بازگردید و احتمالاً با گوجه و انواع لبنیات استقبال شوید... ساعت یازده‌ونیم است و فقط دو الی سه ساعت دیگر وقت دارید یک گزارش تقریباً کامل برای روز آخر نمایشگاه و این‌بار از مجموعه فعالیت سایت‌های ناشران کشور که روی اینترنت هم فعال هستند تهیه کنید... این‌بار دیگر بدون هیچ مقدمه‌ای کانکت می‌شویم و برای نوشتن در مورد فعالیت اینترنتی ناشرهای کشور ابتدا به www.caravan.ir سر می‌زنیم که تقریباً سابقه‌اش نسبت به سایر ناشران بیشتر است. البته مطمئن باشید تهیه کردن گزارشی با این شرایط و با این گستردگی در ۹۰۰ و ۱۰۰۰ کلمه خلاصه نمی‌شود پس اگر موجز و شدیداً خلاصه می‌نویسیم به ایجاز خودتان ببخشید!

■ کاروان ادب فارسی

انتشارات کاروان با چاپ مداوم ترجمه سری کتاب‌های نویسنده‌ای که هیچ‌گاه نیز جایزه نوبل ادبی نگرفت و با وجود سن‌وسالش در زمان خود نوظهور و تازه‌کار شناخته می‌شد، به شهرت و محبوبیت دست یافت. دکتر آرش حجازی برای نخستین بار کتاب‌های پائولو کوئیلو را مستقیم از پرتغالی به فارسی ترجمه کرد و از آنجایی که این اتفاق با هماهنگی و نظر مستقیم پائولو کوئیلوی برزیلی نویسنده مملکت ۱۸۰ میلیون نفری آمریکای جنوبی افتاد، توجه مردم و اهالی کتاب به آنها بیشتر شد. «شیطان و دوشیزه پریم»، «خاطرات یک مغ»، «کیمیاگر»، «پدران، فرزندها، نوه‌ها» و... در ابتدای چاپ خود در چند سال گذشته از محبوب‌ترین و پرفروش‌ترین کتاب‌های ادبی کشور محسوب می‌شدند. محبوبیت کاروان با سفر پائولو کوئیلو به ایران بیشتر و بیشتر شد و سرانجام این انتشاراتی خود را هم‌تراز ناشرانی همانند نی، امیرکبیر و قطره قرار داد که در سراسر کشور مرجع و مأخذ اصلی کتابخوان‌های حرفه‌ای بودند. اما سایت اینترنتی انتشارات کاروان چند بخش اصلی دارد که در نوع خود نیز قابل توجه و جالب هستند. از جمله آنها می‌توان بانک اطلاعات نویسندگان و مترجمان را نام برد. بانکی که هر چند موفق و فعال است اما نیاز به یک بازنگری کلی در نحوه سیاستگزاری‌هایش دارد. برای مثال شما در این سایت و بانک آن هم می‌توانید اطلاعات مربوط به صمد بهرنگی را بیابید هم آدرس ای‌میل ناصر غیاثی را، در نتیجه احساس می‌شود اگر نویسندگان معاصری که در قید حیات هستند و روی اینترنت هم فعالیت می‌کنند حسابی جدای نویسندگان متوفی و درگذشته داشته باشند، بهتر خواهد بود. همین‌طور در بخش خبرهای سایت می‌توانید تازه‌های نشر از انتشاراتی‌های دیگر و بیشتر از آن خبرهای مربوط به کتاب‌های در دست چاپ و یا منتشرشده اخیر نشر کاروان را بیابید که برای خودش مزیتی است. در بخش لینک‌های سایت هم می‌توانید برخی مصاحبه‌ها و تازه‌های خبری در مورد کتاب‌های تازه چاپ‌شده کاروان را از سایت‌های دیگر پی بگیرید و برخی از رویدادهای برجسته ادبی کشور را بخوانید.

■ ققنوس در اوج سعادت

در صفحه اول سایت ققنوس به نشانی www.qoqnoos.ir که در طراحی هم ابتکاراتی دارد و با یکی دو فلش انیمیشن کم‌حجم و ساده توانسته رنگ و لعابی به خود بگیرد، همواره لیست ۹ کتاب تازه منتشرشده سایت را می‌توانید ببینید. علاوه بر آن، لیست نقدها و بررسی‌ها یا مقالاتی که راجع به کتاب‌های برجسته ققنوس در سایت‌ها و نشریات ادبی یا صفحات پرشمار ادبی همین شرق خودمان و خودتان! نوشته شده و مورد توجه قرار گرفته را نیز می‌توانید بیابید. ققنوس تمامی کتاب‌های خود را در ۱۸ دسته طبقه‌بندی کرده، از جمله این طبقه‌ها هم می‌توان به دسته کتاب‌های نایاب ققنوس اشاره کرد که امکان خرید آنها و همین‌طور پرداخت وجوهشان به وسیله شماره حساب بانکی یا کارت‌های اعتباری داخلی وجود دارد. همین‌طور در لیست پدیدآورندگان سایت ققنوس می‌توانید اطلاعات مربوط به کسانی که کتابشان در ققنوس چاپ شده را بیابید و احتمالاً اگر سایت یا آدرس ای‌میلی داشتند، آنها را نیز پیدا کنید.

■ و بخوانید سوره مهر

راستش اگر دست خودمان بود، می‌خواستیم همه ناشران فعال روی اینترنت را نقدی بزنیم و بررسی کنیم و ببینیم که روی شبکه جهانی چه می‌کنند، اما محدودیت‌های مکانی و فضایی و جهانی به ما این اجازه را نمی‌دهد پس اجازه بدهید با عذرخواهی از همه ناشرانی که فکر می‌کردند ما به فکرشان هستیم و حالا ناجوانمردی ما را می‌بینند! برسیم به سوره مهر که تقریباً کارش کار یک نشریه اینترنتی ادبی حسابی فعال است و اطلاعاتی کامل و جامع در حوزه ادبیات معاصر کشور و خبرهای داغ روز این زمینه را به شما می‌دهد. این روزها که بازار نشر خبرها و اطلاعات در مورد نمایشگاه کتاب داغ است، سایت سوره مهر به نشانی www.iricap.com به تصاویر و خبرهای مربوط به نمایشگاه بین‌المللی نوزدهم مزین شده است. اما در کنار همه اینها، لیست نشریات تازه منتشرشده ادبی و مجلات پرطرفدار حوزه کتاب به همراه عناوین آخرین کتاب‌های چاپ‌شده انتشاراتی و اطلاعات جامع و دقیق آنها را می‌توانید بیابید. ضمن این‌که اطلاعات کامل و جامع همه نویسندگان معاصر کشور به‌علاوه معرفی سایت‌ها و آدرس ای‌میلشان (حتی اگر از نویسندگان گمنام و شناخته‌نشده باشند)، به‌خوبی و به‌طور دقیق برای هر نویسنده یا مترجم درج شده و این از مزیت‌هایی است که حتی در نشریات الکترونیکی ادبی کشور هم با این دقت و صرف وقت رویش کار نشده است.

واگویه‌هایی بر نمایشگاه نوزدهم

پشت هم گزارش سقوط برگ

علی‌اکبر قزوینی

«نمایشگاه کتاب خیلی خسته بود.» محمدعلی ابطحی احساس‌اش را پس از بازدید از نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، این‌گونه برای خبرنگار خبرگزاری میراث فرهنگی توصیف کرده است. این روحانی اصلاح‌طلب اضافه کرده: «شاید یک بخش‌اش به‌خاطر کتاب‌هایی است که نتوانستند مجوز بگیرند و به بازار نیامدند. روحیه عمومی کمی سرخورده است.» این سرخوردگی شاید درست در برابر احساس نشاطی باشد که در زمان ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی بر بازار نشر کتاب حاکم بود. در آن هنگام و به‌ویژه در زمانی که عطاءالله مهاجرانی سکان هدایت وزارت ارشاد را در دست داشت، بسیاری از ناشران مطرح از لزوم دریافت مجوز کتاب پیش از چاپ معاف شده و نظارت بر محتوای کتاب‌ها به خود آنها محول شده بود. ضمن آنکه موانع موجود بر سر راه تجدید چاپ کتاب‌هایی که یک بار مجوز گرفته بودند، تعدیل شده بود. خود مهاجرانی می‌گوید در همان روزهای اولی که به ساختمان وزارت رفته بود، از پنجره اتاق خود آدم‌های زیادی را می‌دید که با پوشه‌هایی زیر بغل در حال آمدورفت به داخل وزارتخانه هستند. می‌پرسد که اینها چه کار دارند و پاسخ می‌گیرد که ناشر هستند و برای گرفتن مجوز تجدید چاپ کتاب‌هایشان می‌آیند. مهاجرانی همان‌جا با خودش فکر می‌کند که چه بیهوده است این‌گونه برخورد و در شأن اصحاب فرهنگ هم نیست. این‌طور می‌شود که در دوران او ناشران و کتاب‌ها و خواننده‌هایشان بهاری را تجربه می‌کنند که البته زیاد هم پایدار نمی‌ماند و بندهای دست‌وپاگیر قانونی و... آنقدر عرصه را تنگ می‌کنند که مجالی برای بلندپروازی‌های بیشتر باقی نمی‌ماند. با این همه، تا پایان دوران خاتمی می‌شد گفت که وضعیت نشر کتاب، حداقل از لحاظ صدور اجازه چاپ در سریع‌ترین زمان ممکن (و البته با توجه به زمانی که کل فرآیند نظارت پیش از چاپ نیاز دارد)، چندان بد نبوده است. نمایشگاه‌های کتابی هم که هرساله و بنا به رسمی چندین ساله در میانه‌های اردیبهشت در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار می‌شد، به تبع همین دیدگاه اغلب از کتاب‌های تازه و عناوین متنوع پر بود. و نفس حضور این عوامل، نشاطی را برای بازدید از غرفه‌های کوچک و پرتعداد ناشران که در سالن‌های بزرگ و کوچک تنگ هم چسبیده بودند، در بازدیدکننده‌های همیشه پرتعداد نمایشگاه کتاب ایجاد می‌کرد.

امسال اما با وجود حضور همچنان پرشور مردمی، غیبت کتاب‌ها محسوس بود. آنقدر که هر روز خبری منتشر می‌شد از فلان نویسنده، مترجم یا ناشر که گلایه داشت کتاب‌هایش در ارشاد مانده و ماه‌ها است در انتظار مجوز است. چیزهای دیگری هم بود. مثلاً اینکه گفته شده بود ناشران نباید کتاب‌های چاپ قبل از سال ۸۲ را در نمایشگاه عرضه کنند. اما گویا این ضابطه را آنقدر با ابهام اعلام کرده بودند که در نهایت خود ناشران هم نفهمیدند چه کار باید بکنند. حتی یکی از آنها که یک بار گفته بود این کار [عرضه کتاب‌های قبل از ۸۲] طبق آئین‌نامه نمایشگاه غیرقانونی است و ناشران نباید این کتاب‌ها را در غرفه‌ها بگذارند، چند روز بعد حرفش را اصلاح کرد و گفت که برداشتش از آئین‌نامه اشتباه بوده است. همه اینها در حالی صورت می‌گرفت که هر روز برگزاری نمایشگاه خبری از جمع کردن کتاب‌ها از سطح نمایشگاه می‌رسید؛ یا به بهانه قبل از سال ۸۲ چاپ شدن یا به دلایل دیگری که معمولاً هیچ وقت اعلام نمی‌شوند. برخی غرفه‌ها به دلیل رعایت نکردن اصول اخلاقی تعطیل شدند و دستور داده شد که روی عکس برخی نویسنده‌ها (مثل صادق هدایت) را بپوشانند. با همه اینها، در روزهای آخر اعلام شد که عرضه کتاب‌های قبل از ۸۲ آزاد شده است، گرچه مدیرکل اداره کتاب و کتابخوانی وزارت ارشاد در گفت‌وگویی اظهار کرد که این منع قانونی هنوز پابرجا است. او حتی درباره جمع‌آوری کتاب‌ها هم اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: «در این زمینه هیچ اطلاعی ندارم.» این در حالی بود که خبرگزاری‌ها از جمع‌آوری کتاب‌هایی همچون «تصویرها»ی اینگمار برگمن، «شازده احتجاب» و «جمعه‌بازار» هوشنگ گلشیری، «خاطرات امیرانتظام»، «یگانه متفکر تنها»، «تاریخ اجتماعی ایران»، «تاویل بوف کور» و... خبر داده بودند. حتی میراث خبر نوشت: «کتاب نیما یوشیج که در سال ۶۹ منتشر شده و طی این سال‌ها مدام تجدید چاپ می‌شده، در نمایشگاه کتاب جمع‌آوری شده است.»

■■■

نمایشگاه سالیانه کتاب تهران، جز آنکه آدم‌های زیادی را از گوشه‌وکنار کشور به محوطه وسیع مجاور بزرگ‌راه چمران می‌کشاند، اثرات (یا بهتر بگوییم، سوءاثرات) جانبی دیگری هم دارد. اولین چیزی که همواره نیز محل انتقاد بوده و به‌ویژه امسال در روزهای آخر هفته بسیار طاقت‌فرسا شده بود، ترافیک سنگین ناشی از این نمایشگاه است. در مسیرهای منتهی به نمایشگاه، خودروها و سرنشینان‌شان مجبور به تحمل تاخیرهایی طولانی بودند و راننده‌ها خسته از ایست-حرکت‌های متوالی، ماشین‌هایشان را میلی‌متری حرکت می‌دادند. اتوبوس‌ها، مینی‌بوس‌ها و ون‌هایی که از چند نقطه شهر بازدیدکنندگان مشتاق را به نمایشگاه می‌بردند، آن قدر کم‌تعداد بودند و مسافران داخل آنها چنان متراکم، که درصد بالایی از بازدیدکنندگان با سواری‌ها و مسافربرها یا خودروهای شخصی خود راهی نمایشگاه می‌شدند. در این میانه، نرخ کرایه به مقصد نمایشگاه نیز نجومی افزایش یافته بود. نرخ کرایه ونک تا نمایشگاه، به عنوان نمونه، به ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان رسیده بود و در این میانه کسی را هم نمی‌شد مقصر قلمداد کرد. یک رفت‌وبرگشت تا نمایشگاه چند برابر مسیرهای روزهای عادی وقت می‌گرفت و راننده‌ها هم باید خرجشان را در می‌آوردند. ترافیک همه را عاصی کرده بود، حتی آنهایی هم که کاری با نمایشگاه نداشتند. «این نمایشگاه پدر ما رو درآورده» جمله‌ای بود که یکی از راننده‌های مسافربرهای خطی ونک-آفریقا خسته از راه‌بندان‌های طولانی به زبان آورد تا مسافر کنار دست او که اتفاقاً خانم هم بود، شکوه کند از مردمی که کتاب نمی‌خوانند «اما معلوم نیست برای چی می‌روند نمایشگاه.» ترافیک ترجیع‌بند همیشگی نمایشگاه کتاب است. اگر کسی در نمایشگاه قدم بزند، بسیاری را می‌بیند که از شهرهای دیگر راهی تهران شده‌اند تنها به قصد نمایشگاه و خرید کتاب. آنها این رنج را به جان خریده‌اند و هزینه پست را نیز، تا کتاب‌هایی را به خانه ببرند که لابد در شهر خودشان به سختی پیدا می‌شود. نمایشگاه بزرگ کتاب تهران با خاصیت فروشگاهی بودنش بهترین فرصت است برای این خریدهای سالیانه. اما سئوالی که به ذهن می‌رسد این است که اصلاً چرا تهران؟ چرا ابرشهری که در ترافیک روزانه ساکنان خودش هم مانده است باید بار اضافی این ترددهای نمایشگاهی را در این بازه ده‌روزه تحمل کند؟ بد نیست به این فکر کنیم که به جای شعار گاه‌و بی‌گاه تمرکززدایی، می‌شود عملاً کارهایی در این زمینه انجام داد. می‌شود مثلاً نمایشگاه بین‌المللی کتاب را در یکی از استان‌ها یا شهرهایی که گویا صفت «محروم» به نامشان سنجاق شده، برگزار کرد. همین کار کوچک می‌تواند چنان رونقی به آن شهر بدهد که ساکنان آن ناگزیر نباشند برای رهایی از سایه محرومیت راهی شهرهایی مثل تهران شوند. تهران و اهالی آن هم می‌توانند ده روز نمایشگاه کتاب کمتر اذیت شوند، هر وقت هم کتاب بخواهند می‌توانند راهی کتابفروشی‌های پر تعداد شهر شوند و نیازشان را برآورده کنند. خوب یا بد، فعلاً همه چیز در مرکز جمع شده و برای تهرانی‌ها رفتن به نمایشگاه تنها راه دیدن و خریدن کتاب‌های جدید و مختلف نیست.

اما جز این، باید فرهنگ خرید کتاب از اینترنت بین مردم جا انداخته شود. مثل همین کاری که ما سعی کردیم در روزهای نمایشگاه در این صفحه و در ستون «نمایشگاه آن لاین» (همین ستون کنار این مطلب) انجام دهیم. روزنامه شرق در دو سه سال اخیر چند مطلب درباره این‌گونه سایت‌ها داشته و در حد خود تلاش کرده تا «خرید کتاب» از این فروشگاه‌های مجازی را جا بیندازد. در سایت‌های اینترنتی فروش کتاب، دوری از مرکز یا نزدیکی به آن تاثیر خاصی ندارد و هر کسی از هر جایی که بتواند به اینترنت متصل شود، امکان دیدن کتاب‌ها و سفارش دادن آنها را خواهد داشت. در عین حال، از توسعه کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها نیز نباید غافل بود. استقبال از نمایشگاه ده‌روزه کتاب نشان می‌دهد که تقاضا به هر حال وجود دارد؛ اما اکثر افراد (هرچند علاقه‌مند به کتاب و مطالعه)، اگر کتابی را در کتابفروشی محل/شهر خود نیابند تلاش چندانی برای دسترسی به آن نخواهند کرد.

عکس: سامان افقهی/ ایسنا

■■■

زمانی که شما این مطلب را می‌خوانید پرونده نمایشگاه نوزدهم دیگر بسته شده است. در روزهای برگزاری نمایشگاه ما سعی کردیم رویدادها و اتفاقات مربوط به آن را تا جایی که زمان و حجم صفحه به ما اجازه می‌داد، سریع و جامع پوشش دهیم. گزارش‌هایی درباره انتشار کتاب‌ها با موضوعات مختلف (شعر، داستان، سیاست، کامپیوتر و...) داشتیم، به برخی از آفات نشر کتاب در ایران و چالش‌های پیش روی آن پرداختیم، صحبت‌های نویسندگان و اهالی فرهنگ را درباره نمایشگاه منعکس کردیم و از خبرها و مطالب جالب‌توجه دیگر نیز غافل نبودیم. در عین حال، در کنار علم به خوبی‌های چنین نمایشگاهی، اغلب به نقدها و انتقادها پرداختیم و شاید همین باعث شده باشد که برخی خوانندگان تصور کنند ما کلیت نمایشگاه کتاب را به دیده نفی/منفی نگاه کرده‌ایم. یکی از خوانندگان در تماس با شرق (پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت، صفحه ۱۵، ستون مردمک) گفته بود: «... این همه ننویسید که مردم برای تفریح و سرگرمی و یا خرید کتاب برای دکور منزلشان به نمایشگاه می‌روند یا چیزهای منفی دیگر. به نظر من همین‌که نمایشگاه برگزار می‌شود و فرزند من و شما با کتاب و آثار فرهنگی دیگر در این نمایشگاه آشنا می‌شود تاثیر زیادی در فرهنگ کتابخوانی جامعه و مردم خواهد داشت.» مطمئناً انتقاد از نمایشگاه هدفی جز بهتر کردن آن ندارد. کار روزنامه‌نگار یافتن ضعف‌ها و کاستی‌ها و نشان دادن آنها است برای رفع‌شان؛ و گفتن از اینها، جنبه‌های مثبت و کارکردهای مفید این نمایشگاه فرهنگی- تجاری را زیر سئوال نمی‌برد. کتاب‌ها دوستان آرام و متینی هستند که هر کدام در عین بی‌صدایی، صدایی خوش دارند. ما دوست نداریم که هرازگاهی «خبر توقیف یک صدای خوش» را بشنویم تا در میانه اظهار تاسف‌های بی‌پایان از اینکه مردم چرا کتاب نمی‌خوانند، به «چه باید کرد» گفتن بیفتیم. به هر حال نمایشگاه نوزدهم تمام شده و فصل خریدن انبوه کتاب‌ها هم، احتمالاً. ما هم می‌رویم تا سال بعد که دوباره باز همین حرف‌ها و گلایه‌ها را مطرح کنیم، احتمالاً.

نقدی بر نمایشگاه نوزدهم

بیست برای بیستم

نصرالله حدادی

عکس: منصور و معتمدی، فارس

اوایل زمستان سال گذشته، برای عیادت بیماری به بیمارستان میلاد رفته بودم. وضع را قدری غیرعادی دیدم، گفته می‌شد که رئیس‌جمهور برای عیادت پدر و مادرشان که همزمان در بیمارستان بستری هستند، تشریف‌فرما شده‌اند. همین جا برای سلامتی رئیس‌جمهور و والدینشان دعا می‌کنم که فرمودند: سال دیگر نمایشگاه را در این محل برگزار نکنید و متعاقب آن به مزاح با همکاران برخاستند.

من نمی‌دانم نمایشگاه بیستم را در کجای تهران بزرگ می‌توان برپا کرد، اما می‌دانم که از محل فعلی نمایشگاه، جایگاهی آبرومندتر در این شهر ـ و چه بسا ایران ـ نداریم، مگر آنکه دولت طی یک سال آینده جای آبرومندی بسازد و دست و پا کند تا وعده جناب احمدی‌نژاد از قوه به فعل درآید.

از همین حالا می‌دانیم که باید در اردیبهشت سال ۱۳۸۶، بیستمین نمایشگاه کتاب را بر پا داریم، یا باز باید همچون سال‌های گذشته، تمام کارها در هفته پایانی سال انجام پذیرد و «همه چیز هول‌هولکی» شکل گیرد؟

در نمایشگاه امسال بسیاری از ناشران حضور ندارند و وقتی شنیدم سازمان میراث فرهنگی و انجمن خوشنویسان راه به نمایشگاه نیافته‌اند، نزدیک بود شاخ در آورم. مگر می‌شود سازمان میراث فرهنگی از قلم افتاده باشد؟

تا زمانی که این سطور را قلمی می‌کنم ـ ۱۸ اردیبهشت ـ نمی‌دانم آیا بالاخره این سازمان جا و مکانی پیدا کرده یا نه؟ هر چند در صورت مسئله هیچ تغییری را ایجاد نخواهد کرد.

هجده سال تجربه را می‌توان نادیده گرفت و خیال کرد کار آسانی است، اما به وقت انجام کار «آن گه شود که نامرد و مرد کیست» و مشکلاتی پیش می‌آید که باعث تعجب می‌شود. خیال آن را نداشتم که به انتقاد از برگزاری نمایشگاه نوزدهم برآیم، ولی آنقدر کاستی در گوشه و کنار به چشم می‌آمد که حد نداشت و ندارد. وضع تاسف‌بار سرویس‌های بهداشتی ـ به خصوص قسمت جنوبی نمایشگاه ـ برخورد آمرانه و بعضاً غیرمودبانه برخی از نیروهای انتظامی، عدم وجود پارکینگ به اندازه کافی و «زیر جلکی» پول گرفتن برای راه دادن به داخل پارکینگ، فضای تنگ غرفه‌ها، تقسیم غیرعادلانه و اختصاص غرفه‌های مناسب به برخی از نزدیکان، ترافیک اعصاب خردکن تا شعاع پانزده کیلومتری اطراف نمایشگاه، آچمز شدن تمامی خیابان‌های منتهی به نمایشگاه و از کار و زندگی افتادن ساکنان این ناحیه کمترین رهاوردی است که امسال به شدت بیشتری نسبت به سال‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم. این حق طبیعی هر خواهان کتابی است که در نمایشگاه حضور یابد تا کتاب دلخواهش را انتخاب کرده و بخرد. حال در جایی که بسیاری از ناشران راه به نمایشگاه نیافته‌اند، تکلیف او چیست؟ مگر این نمایشگاه «همه کتاب‌های موجود ناشران، زیر یک سقف نیست؟ پس چرا تدبیری به کار بسته نمی‌شود که این مهم از قوه به فعل آید؟».

نوزده سال است که یک عمل را به سان سال‌های قبل از آن انجام می‌دهیم و عجبا که سال به سال دریغ از پارسال می‌شود. سالن‌ها تنگ‌تر، امکانات ضعیف‌تر و مردم مستاصل‌تر و سرگردان‌تر از همیشه.

این است نتیجه کاری که در روزها و ساعات آخر نزدیک به برگزاری نمایشگاه انجام می‌دهیم و انتظار داریم فرهنگ مطالعه تقویت شود و عجیب‌تر آنکه برای حفظ ظاهر همه اظهار رضایت می‌کنند. هیچ شکی نیست که همه دست‌اندرکاران با منتهای حسن‌نیت تلاش می‌کنند تا حاصل کارشان موجبات رضایت مردم را فراهم آورد و همه هم و غم خود را معطوف به این می‌سازند که کمترین کاستی در نمایشگاه راه یابد و صد البته املای نانوشته نیز غلط ندارد و «کنار گود نشستن و لنگش کن گفتن آسان است» اما نه اینگونه که امسال شاهد هستیم.

به هم‌ریختگی حروف الفبا در سالن‌های بزرگ به قدری مشهود است که ناشری که با «ز» نامش آغاز می‌شود، در کنار حرف «خ» قرار گرفته است و این هیچ نیست جز تصمیم‌گیری در آخرین لحظات و انجام کارها با عجله هر چه تمام‌تر و صد البته نتیجه عجله در کار نیز معلوم است.

از امروز نمره بیست را برای نمایشگاه بیستم کنار می‌گذاریم و دل می‌بندیم به وعده رئیس‌جمهور که خواهان برگزاری این نمایشگاه در مکان دیگری شده است، هر چند تجربه نشان داده که وعده خوبان در سال‌های قبل از قوه به فعل درنیامده است.

تهدید و تحدید مسئولین شورای شهر را طی دو سال گذشته از یاد نبرده‌ایم. جالب آنکه به‌رغم این فرمایشات، وزیر ارشاد وقت یک سال قبل از برگزاری نمایشگاه هجدهم وعده داد که نمایشگاه در محل قبلی آن برگزار خواهد شد، که این کار به انجام رسید و آن تهدیدها نیز گویی فقط برای ابراز وجود بود و بس و امسال آنکه اصلاً به سخن نیامد، همان شورای شهر بود. در هر قسمت از شهر که می‌خواهیم نمایشگاه را برپا داریم، از امروز قصد کنیم و مردم را «سرکار نگذاریم» آنگونه که در ابتدای جاده مخصوص کرج در سال ۱۸۳ انجام دادیم و ده‌ها تابلو نوشته بر سر راه مردم قرار دادیم و نوشتیم: به سمت نمایشگاه بین‌المللی تهران و گویا سالن درودگری صداوسیما را مدنظر قرار داده بودند و آن تابلوها نیز فقط به قصد دهان‌کجی در آن ناحیه نصب شده بود و امروز هیچ حرف و سخنی از آن در میان نیست.

سنگ بزرگ علامت نزدن است. برپایی نمایشگاه دائمی کتاب فقط به شوخی می‌تواند شبیه باشد و برپایی مهمترین جشنواره کتاب در کشورمان اصلاً شوخی نیست. نمره بیست را از همین حالا برای دست‌اندرکاران نمایشگاه بیستم کنار می‌گذاریم و چشم امید داریم که به بهترین وجه، از همین امروز، با شناسایی محل و ایجاد امکانات، نمایشگاه کتابی درخور نام فرهنگ این سرزمین برپا دارند.

حیف است که نتوانیم از استقبال میلیونی مردم استفاده درست بکنیم. این نیروی عظیم، بالفعل به دنبال کتاب هستند و حتی اگر ۵ درصد جمعیت سه میلیونی مراجعه‌کننده به نمایشگاه را طالبان واقعی کتاب بدانیم، چشم‌انداز ۱۵ هزار نسخه کتاب برای هر بار چاپ، بسیار امیدوارکننده خواهد بود.

از همین امروز نمره بیست را به برگزارکنندگان نمایشگاه بیستم داده‌ایم، امید آنکه یکصدم هم از این نمره نکاهیم. به امید آن روزی نشسته‌ایم تا نتیجه اعمال یکساله را در اردیبهشت ۸۶ شاهد باشیم.

صدا و سیما تخفیف تبلیغات کتاب را تا هفتاد درصد افزایش می‌دهد

مهر: تبلیغات تلویزیونی کتاب در حال حاضر شامل ۲۰ تا ۵۰ درصد تخفیف می‌شود و صدا و سیما آمادگی دارد که این تخفیف را تا ۷۰ درصد افزایش دهد. حسن تقدس نژاد مدیر امور اداری مالی صدا و سیما ضمن اعلام این مطلب افزود: سال گذشته در نمایشگاه کتاب طی هماهنگی با وزیر ارشاد وقت، ستادی برای توسعه فرهنگ کتابخوانی تشکیل شد. به گفته تقدس نژاد، این ستاد وظیفه دارد با ایجاد تعامل بین صدا و سیما و وزارت ارشاد راهکارهای عملی توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی را به اجرا در آورد. مدیر امور اداری و مالی صدا و سیما با تاکید بر پایین بودن تیراژ کتاب در کشور ما نسبت به متوسط جهانی گفت: قرار است با تبلیغ کتاب و تشویق ناشران، تیراژ سالانه کتاب‌های منتشر شده، در کشور به حد قابل قبولی برسد. وی این تبلیغ را شامل پخش تیزرهای تلویزیونی و میزگردهای تخصصی اعلام کرد. به گفته تقدس نژاد، صدا و سیما در صورت لزوم می‌تواند، تخفیف ویژه تبلیغات فرهنگی را تا سقف قابل ملاحظه ای افزایش دهد.

هفت کتاب ایرانی برای جام جهانی راهی برلین شدند

ایسنا: به مناسبت بازی‌های جام‌جهانی کتاب‌های فوتبالیست‌های محمدرضا یوسفی، توپ هوشنگ مرادی‌کرمانی، پسران گل فریبا کلهر و جام‌جهانی در جوادیه داوود امیریان جهت حضور در نمایشگاه بین‌المللی مرکز ادبیات کودک و نوجوان برلین FIFA2006 به زبان انگلیسی خلاصه‌نویسی شدند. کتاب تیم فوتبال پاول ترجمه فروغ باقرپور، ارباب فوتبال داوود لاروند و فوتبال در ایران حسین محمدنبی از دیگر کتاب‌هایی است که با موضوعیت فوتبال به مناسبت بازی‌های جام‌جهانی به زبان انگلیسی خلاصه شده‌اند. بازی‌های جام‌جهانی سال ۲۰۰۶ در آلمان برگزار می‌شود.

معرفی کتاب

تعبیری از روزهای رفته

«گردآوری سرمقاله‌های یک روزنامه ارزش تاریخی دارد و در آینده می‌تواند به عنوان بخشی از تاریخ مکتوب قلمداد شود. پژوهشگران با استناد به چنین کتاب‌هایی در آینده قادر خواهند بود مهمترین رویدادهای سیاسی زمان را که از نگاه تیزبین سردبیر و مدیرمسئول یک روزنامه گذشته است، به مطالعه بنشینند.» آنچه خواندید، بخشی از «یادداشت ناشر» است که در ابتدای کتاب «تبعید روزها» درج شده است. این کتاب، مجموعه یادداشت‌ها و تحلیل‌های سیاسی «علی صالح‌آبادی» است که در قالب سرمقاله‌های روزنامه همبستگی از سال ۸۲ تا مرداد ۸۴ گردآمده است. در همین یادداشت ناشر توضیح داده شده: «آنچه در تبعید روزها گردآمده است گزیده مفصلی از سرمقاله‌های مذکور است، سرمقاله‌های بعدی که از تاریخ ۲۵ مرداد ۸۴ تاکنون انتشار یافته، در این کتاب نیامده است و به‌دلیل افزایش حجم کتاب در آینده منتشر می‌شود.» علی صالح‌آبادی از چهره‌های سیاسی قبل و پس از انقلاب است. او در سابقه خود پست‌های کلیدی را نیز دارا بوده، اما آنچه مهم است نگرش کنونی وی به خاطر تغییر زاویه دید از رویکردهای رادیکالی و انقلابی به رویکردهای معتدل و میانه‌رو است. او در بیشتر نوشته‌هایش افراد و حاکمیت را به تعامل و گفت‌وگو با مخالفان تشویق می‌کند. از نگاه صالح‌آبادی می‌توان از بدترین شرایط عبور و تهدیدها را تبدیل به فرصت کرد. «تبعید روزها» شامل ۹۱ سرمقاله است که در میان عناوین آنها می‌توان به «ایران و شورای امنیت»، «چالش صدا و سیما، کیهان و رسالت با همبستگی»، «دولت موقت عراق»، «غرور ملی»، «تلاش جهانی برای ماندن دوباره بوش»، «تحلیل انتخابات نهم» و... اشاره کرد. «تبعید روزها» را نشر امروز در ۳۲۰ صفحه، شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و به بهای ۳۵۰۰ تومان منتشر کرده است.

معرفی کتاب

بخش فارسی سایت آمازون راه‌اندازی می‌شود

میراث خبر: به گفته نماینده انحصاری سایت آمازون در ایران، این سایت قرار است بخش فارسی خود را نیز راه‌اندازی کند. ناشران ایرانی از امسال با شرایط آسان‌تری می‌توانند کتاب‌های خود را برای معرفی و فروش به این سایت معرفی کنند. با هماهنگی‌های جدید ایجاد شده میان موسسه iKetab و سایت آمازون، مسئولان این سایت قول داده‌اند بخش فارسی این سایت را به منظور دسترسی آسان‌تر کاربران فارسی زبان به مشخصات کتاب‌های ایرانی راه‌اندازی کنند. «حسین شوکت‌مقدم»، مدیرعامل شرکت iKetab در حاشیه نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: «تاکنون سه هزار و پانصد عنوان کتاب ایرانی از طریق موسسه iKetab، تنها نماینده رسمی شرکت آمازون در این سایت ثبت شده است اما مدت دو ماه است ثبت کتاب‌های ایرانی در سایت آمازون راکد مانده است و دلیل آن این است که در این مدت ما جلساتی را با مسئولان این سایت برگزار کردیم و آنها قول‌هایی برای همکاری بیشتر با ناشران ایرانی داده‌اند.» شوکت‌مقدم درباره هماهنگی‌های ایجاد شده میان iKetab و سایت آمازون گفت: «آنها قول داده‌اند بخش فارسی این سایت را راه‌اندازی کنند و ما همچنان منتظریم ببینیم آیا به وعده خود عمل می‌کنند یا خیر. تا سال گذشته ناشران ایرانی برای معرفی هریک از کتاب‌های خود در سایت آمازون مجبور بودند ۳-۲ دلار پرداخت کنند اما با هماهنگی‌های جدید قرار شده ما هر سال ده هزار عنوان از کتاب‌های ایرانی را به سایت آمازون معرفی کنیم و هر ناشری که می‌خواهد کتاب‌هایش را در این سایت ثبت کند تنها کافی است مبلغ ۱۲ هزار تومان حق عضویت به ما پرداخت کند.» او فروش کتاب‌های ترجمه‌ای را از دیگر موارد هماهنگ‌شده با مسئولان سایت آمازون معرفی کرد و گفت: «همان طور که می‌دانید کشور ما هنوز قانون کپی‌رایت را قبول نکرده در نتیجه ناشران ایرانی بدون داشتن مجوز قانونی از ناشر خارجی می‌توانند کتاب‌های او را در ایران ترجمه و منتشر کنند. مسئولان آمازون با علم به این نکته به ناشران ایرانی اجازه می‌دهند کتاب‌های ترجمه شده خود را نیز در این سایت معرفی کنند. البته این تا زمانی است که ایران قانون کپی‌رایت را نپذیرفته است. در حقیقت هر کتابی که در ایران با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شود را می‌توانیم در سایت آمازون معرفی کنیم.» مدیرعامل موسسه iKetab ارتباط این موسسه با سایت آمازون را تعامل فرهنگی دوجانبه خواند و افزود: «ارتباط ما با سایت آمازون فقط نمایندگی این سایت نیست. این رابطه تعاملی فرهنگی و دوسویه است و همان طور که ما در ایران آنها را معرفی می‌کنیم آنها نیز در س